



موضوع:

تاریخ:

نام و نام خانوادگی:

هدف:

علوی

۱۲ متن روان‌خوانی را با دقت بخوان و با توجه به آن، به سؤالاتها جواب بده.

آقا هاشم نجار است. او پچه‌ای به نام سجاد دارد. سجاد هر روز اول به مدرسه می‌رود و پس از مدرسه به دکان نجاری می‌رود تا به پدرش کمک کند. پدر سجاد، هر روز به او دستبند می‌دهد و سجاد از پدرش تشکر می‌کند. سجاد سکه‌هایی که پدرش به او می‌دهد را درون قلک می‌اندازد. آقا هاشم، با چوب و میخ و آره، وسیله‌های مختلف مانند میز، کمد و تخت خواب می‌سازد و درست می‌کند. سجاد می‌خواهد با پول‌های داخل قلکش، برای تولد خواهرش از قنادی یک کیک و یک کادوی زیبا تهیه کند. پدر سجاد، دوست دارد که پسرش هم مانند خودش نگاه شود. آقا سجاد نقاشی را بیشتر دوست دارد. دایی سجاد در بالای تپه دکان نقاشی دارد. برای این که پسر بتواند به دکان نقاشی برود، از استاد کریم بنا خواهش کرد تا پله‌های مرتب و ایمنی را بسازد.



۲۰۷

فرهنگ - درس ۱۶

Blank writing area with horizontal lines.

